

قدم‌کلیک‌هایتان بر چشم

منتخبی از یادداشت‌های وبلاگ «نمایندگی و نجاران»

محمد رضا زانری



فهرست مطالب

- | | |
|----|---|
| ۷ | مقدمه |
| ۱۱ | معلمی که بسیار آشناست |
| ۱۵ | آقای روزنامه‌نگار، سلام! |
| ۲۱ | ... اما مدیر عادل همشهری |
| ۲۵ | مروت با پیشیتیان و حرمت پیش کسوتان |
| ۲۹ | خواستار مسیحی |
| ۳۳ | خانم رهگذر ناشناس |
| ۳۹ | دست دادن با خانم‌ها و راه حل امام موسی صدر |
| ۴۱ | آقای دکتر، لطفاً در نقل خاطرات دقت کنید! |
| ۴۹ | انگوری زندگی با دیگران |
| ۵۳ | باید اینجا باشی تا بفهمی |
| ۵۷ | پیشوای مقاومت |
| ۶۱ | کنسرت موسیقی مذهبی |
| ۶۷ | عهد مشترک اسلامی مسیحی |
| ۷۱ | از آدم خسیس و ترسو پرهیز کنید! |
| ۷۳ | یک نفر هست که... |
| ۷۹ | چرا سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم |
| ۸۳ | عظمت ایران اسلامی و نقش پنهان مقام معظم رهبری |

- ۸۷ سرمقاله های مجله مهر (از شماره ۱ تا ۳)
- ۹۳ کاش همان نظامیان در آنجا دخالت کنند!
- ۹۹ لطفاً به پدرتان بفرهید!
- ۱۱۱ ازدواج یا اجتناب!
- ۱۱۵ امریکا دروغ می گوید و جمهوری اسلامی هم!
- ۱۱۹ ما همه مان مثل همیم!
- ۱۲۵ تقسیم کار کرده ایم؛ دیگران تولید می کنند و ما محکوم می کنیم!
- ۱۳۱ باران معنویت در کویر زندگی
- ۱۳۷ موضوعات دینی و اگهی های مازرگانی
- ۱۴۳ بر «زمین» بنشین و با «زمان» برخیز!
- ۱۴۷ خدمت بزرگ آقای گردان!
- ۱۵۱ امری بر اسرائیل!
- ۱۵۵ چگونه مامور به وظیفه ایم؟
- ۱۶۱ (از...) عمق فاجعه

مقدمه

آن چه در این مجموعه خواهید خواند، گزیدهٔ یادداشت‌های وبلاگ «نمایندگی مجاز» است که طی هشت سال به اقتضای شرایط و اوضاع مختلف اجتماعی و فرهنگی نوشته‌ام و اینک با تعطیل شدن وبلاگ، منتخبی از آن‌ها به گزینش برخی از دوستان در این مجموعه منتشر می‌گردد.

نوشتن وبلاگ «نمایندگی مجاز» را در روز ۱۶ مهر ۱۳۸۱ از بهشت مقدس قم و جوار حضرت معصومه (سلام الله علیها) با سلام به خوانندگان آغاز کردم - با عبارت قدم کلیک‌هایتان بر چشم - و در روز ۱۸ مهر ۱۳۸۹ سالروز میلاد باسعادت حضرت معصومه (سلام الله علیها) با خداحافظی به پایان بردم.

به عنوان یک دانش‌آموز معارف اسلامی با دغدغهٔ تبلیغ و ترویج دین و از موضع دانشجویی که می‌خواهد زبان مخاطب عام را بیاموزد و تحولات اجتماعی و تغییرات ابزارها و زبان‌ها را پی می‌گیرد و می‌بیند به این دنیای جذاب و پرشور وارد شدم. دنیای وبلاگ برای کسی چون من فرصتی بود تا زبان تازه‌ای را برای ارتباط با مخاطب فراگیرد و تجربه کند و در همان حال بازخورد پیام خود را ببیند و نظر دیگران را بشنود و بخواند. اینجا دیگر فقط من نبودم که سخن

می‌گفتم و مخاطبانم فقط با احترام و تأیید سر تکان نمی‌دادند؛ بلکه اعتراض می‌کردند و مخالفت می‌ورزیدند و گاه حتی با بدترین کلمات و تعابیر نامزای می‌گفتند.

مهم‌ترین ویژگی این شرایط برابر، همین فرصت ارتباط مستقیم و زنده بود که برای کسی چون من فراهم می‌شد و معتقد بودم بسیار ارزنده و گران‌بها است. من اینجا مخاطب را همانگونه که بود می‌دیدم. بی‌آنکه از عمامه من بترسد یا از موقعیت و ظاهر من پروا کند و مخاطب نیز من را همانگونه که بودم می‌دید و می‌شنید و می‌خواند. بی‌آنکه بخواهم تکلف بورزم و ملاحظه‌ای داشته باشم.

در فاصله این هشت سال هر مجله صد و سی و دو یادداشت نوشتم و در حدود پنج هزار کامنت داشتم و معمولاً مجال‌ها را اخیر - مخصوصاً بعد از آنکه برخی یادداشت‌هایم در رسانه‌ها نقل می‌شد - بازدیدکنندگان و بلاگ فراوان بودند و بسیاری از آنان نیز به صراحت و با ذکر نام و نشانی خود به اظهارنظر می‌پرداختند. از آغاز بنا داشتم نظرات خوانندگان را حذف نکنم. چون به آزادی بیان و تحمل آرای مخالفان به واقع باور دارم و تا آنجا که توانستم چنین کردم و مجال درج نظرات بدون ویرایش را فراهم ساختم. لیکن در زمانی که سردبیر روزنامه همشهری بودم، برخی افراد نادان و بداخلاق و بی‌ادب از این مجال سوءاستفاده کرده و به صورت ناشناس به درج نظراتی پرداختند که متضمن اهانت به بعضی دوستان من و طرح تهمت‌هایی بی‌اساس بود. از این رو ناچار شدم به ویرایش و مراقبت نظرات پردازم و البته در عین حال نیز تا آنجا که توانستم از این حق کم‌تر استفاده کردم.

نام این وبلاگ را همسرم انتخاب کرد که خود اهل ذوق و ادبیات است و گرجی‌ش‌تر به کار علمی و تخصصی در حوزه روانشناسی تربیتی علاقه و اهتمام دارد، فعالیت‌های مطبوعاتی و رسانه‌ای متعدد داشته و علاوه بر کتاب‌هایی که از او منتشر شده است مدتی نیز وبلاگی را به راه انداخت.

یادداشت‌هایی که به انتخاب دوستان از وبلاگ برگزیده شده‌اند، معمولاً به گونه‌ای اند که اکنون نیز می‌توان خواند و نیز چندان جتبه شخصی و خصوصی ندارند. اگرچه در وبلاگ، بسیاری

اوقات به مسائل فردی و دغدغه‌های شخصی و دلمشغولی‌های کوچک و ساده روزمره نیز پرداخته‌ام یا از اشعار تازه‌سروده خود چیزی نقل کرده‌ام یا خاطره‌ای از سفرهای پراکنده و زندگی روزانه خود در قم یا تهران یا بیروت گفته‌ام.

وبلاگ «نماینده‌گی مجاز» سرآغاز بسیاری دوستی‌ها و آشنایی‌ها هم شد. از جلساتی که برای دوستان بلاگر داشتیم به شکل رسمی یا به شکل غیررسمی و مناسبت‌های مذهبی و گاه در منزل یکی از افراد تا رفاقت‌های فردی و روابط دوستانه‌ای که خوشبختانه تاکنون نیز ادامه یافته است. فرصت وبلاگ‌داری - نمی‌گویم وبلاگ‌نویسی؛ چون فقط نوشتن نیست بلکه اداره یک فعالیت ارتباطی است. چنان که در یک کارگاه آموزشی وبلاگ تفصیلاً بدان پرداخته و گفته‌ام - فرصت ارزشمندی است که در هیچ موقعیت دیگری فراهم نمی‌شود و آثار و برکات و عوارضی دارد که می‌توان به راحتی در صاحبان وبلاگ‌ها و تفاوتشان با دیگران دید.

شاید اگر طلاب حوزه‌های علمیه و روحانیون بزرگوار ما همه وبلاگ داشتند و به نوازم طبیعی وبلاگ‌داری ملتزم بودند و می‌پذیرفتند که رأی و نظر خود را به عنوان یک نظر و رأی در کنار دیگر آراء و نظرات مطرح کنند و صدای خود را یک صدا در میان میلیون‌ها صدا بپوشانند و ببینند و...، اوضاع و شرایط تعامل و ارتباط میان روحانیت و مخاطبان عام به ویژه جوانان خیلی فرق می‌کرد.

ضمن تشکر از دوستانی که برای انتخاب این یادداشت‌ها و انتشارشان به صورت یک مجموعه مستقل همت کردند، امیدوارم این کتاب مانند وبلاگ «نماینده‌گی مجاز» فرصتی برای دوستی‌های تازه باشد و در روزگار بی‌مهری‌ها و کم‌لطفی‌ها و آشفتگی‌ها پنجره کوچکی به سوی مهربانی و دوستی و یاری‌های صاف و صادق بگشاید.